

آزادی به قید ضمانت در نظام کیفری انگلستان

محمد باقر مقدسی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۴

از صفحه ۲۷ تا ۵۲

چکیده:

بازداشت موقت یکی از موضوعات مورد اختلاف صاحب‌نظران حوزه دادرسی کیفری است. طرفداران، به بازداشت موقت به مثابه مکانیزمی برای حمایت از منافع اجتماع در مقابل ناقضان قانون می‌نگرند. در مقابل، مخالفان، آن را ناقض حقوق و آزادی‌های عمومی دانسته و بر تحدید دامنه آن تأکید می‌کنند. در این میان برخی نظام‌های کیفری مانند انگلستان تلاش کرده‌اند بین این دو دیدگاه تعادل ایجاد کنند. اصل حق بهره‌مندی از آزادی به قید ضمانت مهم‌ترین راهکار نظام کیفری انگلستان برای تضمین حقوق متهم است. با این حال، در موارد خاص و به منظور حمایت از منافع اجتماع این اصل کنار گذاشته می‌شود. علاوه بر این، در این نظام، مقررات جامعی در مورد این قرار پیش‌بینی شده تا جلو هر گونه سوء استفاده احتمالی گرفته شود. این مقاله تلاش دارد ضمن معرفی قرار آزادی به قید ضمانت، مراجع صلاحیت‌دار، فرایند رسیدگی، تجدیدنظر خواهی و ضمانت اجرای نقض شروط قرار را در نظام کیفری انگلستان بیان کند.

واژگان کلیدی: آزادی به قید ضمانت، بازداشت موقت، نظام کیفری انگلستان، حقوق متهم، منافع اجتماع.

۱- مقدمه

یکی از تقسیم‌بندی‌های مهمی که در حوزه حقوق کیفری مطرح شده، تقسیم نظام‌های دادرسی به «الگوی کنترل جرم»^۱ و «الگوی رعایت تشریفات قانونی»^۲ است. (Mc Laughlin & Muncie, 2003: 81-82 & 144-145) در الگوی کنترل جرم بر سختگیری نسبت به کلیه جرایم تأکید شده و حتی حقوق و آزادی‌های عمومی به نفع حفظ منافع اجتماع کنار گذاشته می‌شوند. در مقابل، در الگوی رعایت تشریفات قانونی حقوق و آزادی‌های افراد حق محفوظی است که هرگونه نقض آن نفی می‌شود. (قیانچی و دانش ناری، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۶۷)

یکی از نقاط تمایز این دو الگو، محدوده مجاز بازداشت موقت قبل از محاکمه است. الگوی کنترل جرم با در نظر گرفتن هدف حفظ منافع اجتماع، بازداشت موقت را مجاز می‌داند؛ در حالی که الگوی مبتنی بر رعایت تشریفات قانونی با تأکید بر حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی، با بازداشت موقت مخالف بوده و آن را تنها در موارد خاص و محدود مجاز می‌داند.

در الگوی کنترل جرم سه دلیل برای توجیه بازداشت موقت بیان شده است: ۱- حضور متهم در مرحله محاکمه را تضمین می‌کند؛ ۲- مانع مداخله متهم در فرایند رسیدگی به ویژه تهدید و ارباب شهود، خواهد شد و ۳- باعث پیشگیری از تکرار جرم خواهد شد.

در مقابل، در الگوی رعایت تشریفات قانونی اصل برائت جایگاه ویژه‌ای دارد و از آن جا که بازداشت موقت با این اصل متعارض است، با آن مخالف می‌شود. بر اساس این الگو آزادی متهم و حمایت از او در مقابل سوء استفاده مأموران دولتی باید در اولویت قرار گیرد. بازداشت موقت ممکن است توانایی و حتی اشتیاق متهم برای مقابله با اتهام‌های مطرح شده را کاهش دهد. علاوه بر این، در بعضی از موارد بازداشت موقت متهم بیشتر از مجازاتی قانونی است. (Sander & Young, 2007: 464)

1- Crime Control Model

2- Due Process Model

یکی از ابزارهای ایجاد تعادل بین اولویت‌های این دو الگو، «قرار آزادی به قید ضمانت»^۱ است. از طریق این راهکار هر دو هدف محقق می‌شود؛ از یک سو متهم آزاد است و از بازداشت وی جلوگیری می‌شود، از سوی دیگر قاضی می‌تواند با اخذ تعهد از متهم و یا تعیین شروط لازم‌الاجرا او را کنترل کرده و جلو هر گونه سوء استفاده احتمالی وی را بگیرد.

نظام کیفری انگلستان از جمله نظام‌هایی است که اصول خاصی برای آزادی به قید ضمانت پیش‌بینی کرده است. این مقاله تلاش دارد اصول ناظر بر صدور قرار آزادی به قید ضمانت از جمله مراجع صلاحیت‌دار، نحوه رسیدگی، تجدیدنظرخواهی و ضمانت اجرای نقض شروط قرار را بیان کند.

۲- آزادی به قید ضمانت

ماده ۶(۲) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (مصوب ۱۹۵۰) بر اصل برائت تأکید کرده است. با این حال این کنوانسیون بازداشت متهم به منظور تضمین حضور وی در دادگاه را مورد تأکید قرار داده و بازداشت پیش از محاکمه را تجویز کرده است. ماده ۵(۳) نیز تأکید کرده که هر کس طبق مقررات بند (ج) دستگیر یا بازداشت شود، باید فوراً نزد قاضی یا مقامی که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیار قضایی می‌باشد برده شده و حق دارد که ظرف مدت معقولی محاکمه یا تا زمان محاکمه آزاد شود. آزادی ممکن است به دادن تضمین‌هایی برای حضور در جلسه محاکمه مشروط شود. با توجه به این کنوانسیون و «قانون حقوق بشر»^۲ می‌توان نتیجه گرفت که: ۱- بازداشت قبل از محاکمه باید تنها زمانی تجویز شود که به طور معقولی ضروری باشد؛ ۲- می‌توان برای صدور قرار شروطی تعیین کرد و ۳- باید مدت بازداشت به حداقل کاهش یابد. (Ibid: 466)

در تعریف آزادی به قید ضمانت بیان شده «آزادی فرد مشروط به دادن تعهد به حضور در زندان یا بازداشتگاه در زمان یا مکان معین». (Emmins & Spark, 2005: 92) در نظام کیفری انگلستان بهره‌مندی متهم از آزادی به قید ضمانت به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. بر اساس این فرض،

1- Bail

2- Human Right Act 1998

اصل بر آن است که متهم از آزادی به قید ضمانت بهره‌مند خواهد شد و نیازی به استدلال برای استحقاق برخورداری از آن نیست، بلکه دادستان باید اثبات کند که نباید این قرار صادر شود. بر اساس ماده (۱) ۴ «قانون آزادی به قید ضمانت»^۱ باید قرار صادر شود، مگر اینکه شرایط مندرج در فهرست (۱) این قانون وجود داشته باشد.

با وجود این، ممکن است در برخی موارد این اصل کنار گذاشته شود. چنانکه در مواقع اضطراری مانند اغتشاش و منازعه‌های کارگری، قضات این اصل را نادیده گرفته و به دیدگاه‌ها و تحقیقات پلیس توجه می‌کنند تا اولویت‌های قانونی. علاوه بر این، دغدغه‌های سیاسی موجب شده سیاستمداران به منظور کاهش ترس مردم، دامنه اصل را محدود کنند. اظهارات جک استراو، وزیر کشور وقت انگلستان، در سال ۲۰۰۲ نشانگر این طرز تفکر است. وی در کنفرانس سالانه مجمع رؤسای افسران پلیس اعلام کرد که اصل حق متهم در برخورداری از آزادی به قید ضمانت باید مورد بازبینی قرار گیرد. استدلال وی برای تغییر این بود که پلیس در مراقبت از مجرمان به عادت که قرار نسبت به آن‌ها صادر شده، موفق نبوده است. همین دیدگاه موجب شده که محدوده اصل بهره‌مندی از آزادی به قید ضمانت محدود شود، چنانکه ماده (۱۹) «قانون نظام عدالت کیفری»^۲ محدودیت‌هایی را در زمینه اعطای آزادی به قید ضمانت به مصرف‌کنندگان مواد مخدر گروه A که در برنامه‌های ترک اعتیاد شرکت نکرده‌اند، پیش‌بینی کرده است. با این حال ماده (۱) ۴ قانون آزادی به قید ضمانت همچنان لازم‌الاجرا است، هر چند که دامنه آن محدود شده است. (Sander & Young, 2007: 466-480)

۳- مراجع صلاحیت‌دار صدور قرار

پلیس، دادگاه مجستریت، دادگاه جزا، دادگاه عالی و بخش کیفری دادگاه استیناف مراجع صلاحیت‌دار صدور قرار هستند.^۳

1- Bail Act 1976

2- Criminal Justice Act 2003

3- برای مطالعه بیشتر در مورد ساختار این مراجع ر.ک. به هیأت پژوهشگران کاوندیش، ۱۳۸۷.

۳-۱- صلاحیت پلیس

مظنونانی که اقدامی علیه آن‌ها صورت نگرفته یا کسانی که به آن‌ها تذکر داده می‌شود عموماً بدون هیچ شرطی آزاد می‌شوند. در بسیاری دیگر از پرونده‌ها افسران بازداشت باید نسبت به صدور یا عدم صدور قرار تصمیم‌گیری کنند. قرار زمانی صادر می‌شود که پلیس تصمیم دارد تحقیقات بیشتری انجام دهد یا نسبت به این موضوع که اتهام را وارد کند، تصمیم‌گیری نماید. این امر نسبت به ۲۰ درصد از مظنونان جوان و ۱۰-۲۰ درصد از مظنونان بزرگسال صورت می‌گیرد. در حال حاضر که سرویس خدمات دادستانی اختیار وارد کردن اتهام را برعهده دارد، ممکن است قرار به این خاطر صادر شود که به دادستان‌ها فرصت داده شود که تحقیقات را تکمیل کنند. مهم‌ترین زمانی که قرار صادر می‌شود وقتی است که اتهام به مظنون تفهیم می‌شود. افسر بازداشت باید دستور آزادی متهم را صادر کند، مگر اینکه: ۱- نام و آدرس مظنون نامعلوم باشد؛ ۲- احتمال حضور متهم در دادگاه برای پاسخگویی به اتهام‌ها وجود نداشته باشد؛ ۳- احتمال مداخله در کار شهود یا ممانعت از اجرای عدالت وجود داشته باشد و ۴- احتمال ارتکاب جرم در زمان آزادی وجود داشته باشد. چنانچه هر یک از این شرایط وجود داشته باشد افسر بازداشت می‌تواند مظنون را تا جلسه بعدی دادگاه مجستریت بازداشت کند. (Sander & Young, 2007: 175-176)

در گذشته افسران پلیس حق صدور قرار مشروط را نداشتند و شروط قرار توسط دادگاه تعیین می‌شد. با این حال «قانون عدالت کیفری و نظم عمومی»^۱ به پلیس اختیار تعیین شروط را داده است. (Hucklesby, 2001: 441-463) و (Raine & Willson, 1997: 593-607) این قانون، اختیارات پلیس در زمینه کنترل رفتار متهمان را افزایش داده و به آن‌ها این حق را می‌دهد که شروطی را به عنوان مجازات‌های غیر رسمی تعیین کنند. از این رو بسیاری از متهمان با صدور قرار توسط پلیس مخالف هستند. (Sander & Young, 2007: 176-177)

بر اساس تحقیقات انجام شده تبعیض پلیس در صدور قرار یکی از مشکلات اصلی این حوزه است. به گونه‌ای که، در شرایط مساوی، سفید پوستان در مقایسه با اقلیت‌های نژادی سهم بیشتری در بهره‌مندی از این قرار دارند. علاوه بر این، بعد از تصویب قانون فوق‌الذکر درخواست صدور قرار به

1- Criminal Justice and Public Order Act 1994

۲۰ درصد کاهش یافته و میزان قرارهای غیر مشروط به ۶۳ درصد رسیده است، حال آن که قبل از تصویب این قانون این رقم ۷۲ درصد بود. (Ibid)

بر اساس قانون عدالت کیفری، پلیس می‌تواند در محل دستگیری قرار را صادر کند. این اختیار که به آزادی به قول شرف معروف شده است بر اساس ماده ۴ قانون مذکور به رسمیت شناخته شده است. بر اساس این ماده پلیس می‌تواند متهم بازداشت شده را با اخذ تعهد مبنی بر اینکه در پاسگاه پلیس حاضر می‌شود آزاد کند. در این مورد اصل حق برخورداری متهم از آزادی به قید ضمانت اعمال نمی‌شود. علاوه بر این، پلیس حق صدور قرار آزادی به قول شرف مشروط را ندارد و تمام قرارها غیر مشروط است. (Ashworth & Redmayne, 2005: 218)

۳-۲- صلاحیت دادگاه مجستريت

دادگاه مجستريت در موارد ذیل حق صدور قرار را دارد: ۱- زمانی که قاضی مجستريت قبل از محاکمه انتقالي یا محاکمه اختصاری قرار را صادر می‌کند؛ ۲- زمانی که حکم محکومیت صادر شده و هنوز گزارش‌های مربوطه ارائه نشده است؛ ۳- زمانی که قاضی مجستريت متهم را برای محاکمه یا تعیین مجازات به دادگاه جزا تحویل می‌دهد و ۴- زمانی که متهم بازداشت شده از تصمیم‌های دادگاه مجستريت به دادگاه جزا شکایت و تجدیدنظر خواهی می‌کند. (Emmins & Spark, 2005: 94-95)

۳-۳- صلاحیت دادگاه جزا

دادگاه جزا در موارد زیر حق صدور قرار را دارد: ۱- دادگاه مجستريت متهم را بازداشت کرده و گواهی‌ای مبنی بر اینکه پس از برگزاری یک جلسه رسمی تقاضای صدور قرار رد شده است صادر کند؛ ۲- متهمی که برای محاکمه یا تعیین مجازات تحویل دادگاه شده بازداشت است و یا علیه حکم محکومیت یا مجازات دادگاه مجستريت پژوهش خواهی کرده است؛ ۳- متهم از دادگاه جزا تجدیدنظر خواهی شکلی کرده و یا نسبت به حکم دادگاه جزا، ارزیابی مجدد قضایی را درخواست کرده است؛ ۴- قضات دادگاه جزا گواهی صادر کرده‌اند مبنی بر اینکه تقاضای استیناف حکم محکومیت یا مجازات موجه است. علاوه بر این، دادگاه جزا می‌تواند در زمان رسیدگی یا در زمان

ارائه گزارش پیرو محکومیت، قرار را صادر کند.

اگر متهم در زمان شروع محاکمه براساس قرار آزاد باشد و در زمان خاصی به بازداشتگاه منتقل شود می‌توان دوباره قرار را صادر کرد. با این حال چنانچه احتمال قوی وجود داشته باشد که صدور قرار خطرانی به دنبال خواهد داشت، مانند اینکه آزادی متهم جان وی را به خطر خواهد انداخت و یا موجب دخالت در کار شهود خواهد شد، ممکن است قرار لغو شود. غالباً رویه این‌گونه است که در مواردی که احتمال صدور حکم حبس و تعقیب زیاد است به محض شروع محاکمه، قرار لغو می‌شود.

۳-۴- صلاحیت دادگاه عالی

دادگاه عالی در موارد ذیل حق صدور قرار را دارد: ۱- فرد از دادگاه لغو احکام دادگاه مجستريت را تقاضا کرده و ۲- فرد از احکام دادگاه جزا تجدیدنظرخواهی شکلی کرده یا لغو احکام دادگاه جزا را تقاضا کرده است.

۳-۵- صلاحیت دادگاه استیناف

بخش کیفری دادگاه استیناف در موارد زیر صلاحیت صدور قرار را دارد: ۱- نسبت به متهمی که تجدیدنظر نسبت به حکم محکومیت یا مجازات صادره از دادگاه جزا را تقاضا کرده است و ۲- نسبت به متهمی که پس از تجدیدنظرخواهی ناموفق در این دادگاه به مجلس اعیان فرجام‌خواهی کرده است.

۴- شرایط پذیرش یا رد قرار

بر اساس ماده ۴ قانون آزادی به قید ضمانت، حق برخورداری متهم از آزادی به قید ضمانت به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. با این وجود، در برخی موارد این اصل کنار گذاشته می‌شود. بر اساس قانون آزادی به ضمانت، موارد عدم پذیرش قرار در جرایم قابل مجازات با کیفر سالب آزادی متفاوت از جرایم قابل مجازات با کیفرهای غیر سالب آزادی است.

۴-۱- اصل حق بهره‌مندی از آزادی به قید ضمانت و استثنای آن

بر اساس ماده (۴) قانون آزادی به قید ضمانت باید نسبت به متهم قرار صادر شود، مگر در مواردیکه در جدول (۱) مقرر شده است. این ماده هر زمانی که متهم برای محاکمه نزد دادگاه مجستريت یا دادگاه جزا حاضر شده اعمال می‌شود؛ بنابراین این حق در اولین حضور متهم نزد دادگاه مجستريت یا دادگاه جزا نیز وجود دارد. حتی بعد از محکومیت، در زمانی که دادگاه منتظر گزارش قبل از تعیین مجازات است، نیز این حق اعمال می‌شود. علاوه بر این، زمانی که متهم از تصمیم دادگاه مجستريت مبنی بر رد درخواست صدور قرار به دادگاه عالی یا دادگاه جزا پژوهش‌خواهی کرده نیز از این حق بهره‌مند خواهد بود.

با این وجود، در موارد زیر متهم از این حق بهره‌مند نخواهد بود: ۱- بعد از اینکه متهم تفهیم اتهام شد، افسر بازداشت به قرار رسیدگی کند؛ ۲- زمانی که قضات مجستريت به طور اختصاری متهم را محاکمه و محکوم کرده‌اند و پرونده را برای تعیین مجازات به دادگاه جزا ارسال کرده‌اند و ۳- زمانی که متهمی که محکوم یا مجازات شده، اعم از اینکه توسط دادگاه مجستريت باشد یا دادگاه جزا، علیه حکم محکومیت یا مجازات تجدیدنظرخواهی کرده است.

هر چند در هر یک از این سه حالت پلیس یا دادگاه حق صدور قرار را دارند، ولی در این موارد اصل حق بهره‌مندی آن چنان که در ماده (۴) قانون آزادی به قید ضمانت آمده، وجود ندارد. (Ibid: ۹۵-۹۷) در بند الف ماده (۱) ۳۸ «قانون پلیس و ادله کیفری»^۱ حقی همانند حق آزادی به قید ضمانت پیش‌بینی شده است. بر اساس این بند متهم باید از پاسگاه پلیس آزاد شود (اعم از اینکه قرار مشروط یا غیر مشروط صادر شده) مگر اینکه افسر بازداشت به طور معقولانه‌ای بترسد که یک یا چند مورد از نتایج غیر منطقی اتفاق خواهد افتاد.^۲

۴-۲- عدم پذیرش قرار در جرایم قابل مجازات با کیفر سالب آزادی

بر اساس بخش اول جدول شماره (۱) قانون آزادی به قید ضمانت چنانچه مجازات جرمی که

1- Police and Criminal Evidence Act 1984

۲- برای اطلاع بیشتر از قانون پلیس و ادله کیفری و آیین‌نامه‌های اجرایی آن ر.ک. به Ozin, Norton & Spivey, ۲۰۰۵.

متهم به اتهام ارتکاب آن بازداشت شده حبس باشد در شرایط زیر نمی‌تواند از آزادی به قید ضمانت بهره‌مند شود:

۱- دادگاه متقاعد شود که دلایل کافی وجود دارد که در صورت آزادی متهم یکی از نتایج زیر اتفاق خواهد افتاد:

الف) متهم از حضور در بازداشتگاه خودداری خواهد کرد؛

ب) متهم مرتکب جرمی خواهد شد؛

ج) متهم در کار شهود مداخله کرده یا رفتار دیگری که مانع جریان اجرای عدالت شود، اعم از اینکه مربوط به پرونده وی باشد یا پرونده دیگری، انجام خواهد داد.

۲- جرم از جرایم قابل کیفرخواست یا جرایم دو وجهی باشد و متهم در زمان بهره‌مندی از قرار مرتکب جرم شده باشد؛

۳- متهم نوجوان باشد و دادگاه معتقد شود که نگهداری او برای حفاظت یا رفاه وی ضروری است؛

۴- دادگاه معتقد باشد که کمبود زمان تا شروع رسیدگی، جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای اتخاذ تصمیم مناسب راجع به سؤالاتی که در بندهای ۱ تا ۳ مطرح شده را غیرممکن ساخته است؛

۵- متهم پیش از این در طی فرآیند رسیدگی از قرار بهره‌مند شده و براساس ماده (۷) قانون آزادی به قید ضمانت دستگیر شده است؛ و

۶- متهم ۱۸ سال یا بیشتر داشته و اثبات شود که مواد مخدر از نوع A مصرف کرده است. بر اساس ماده (۴) قانون عدالت کیفری متهمی که در زمان برخوردارگی از آزادی به قید ضمانت مرتکب جرم شده نباید بار دیگر قرار نسبت به وی صادر شود، مگر اینکه دادگاه قانع شود که خطر جدی در مورد اینکه در صورت آزادی مرتکب جرم خواهد شد، وجود ندارد. با این حال عموماً قرار بر اساس بند (۱) رد می‌شود. در این مورد باید دادگاه دلایل قانع‌کننده‌ای داشته باشد که اگر قرار صادر شود یکی از نتایج نامطلوب به وقوع می‌پیوندد. برای ارزیابی احتمال وقوع نتایج فوق ملاک‌های زیر در نظر گرفته می‌شود:

الف) شدت جرم. هرچه اتهام مهم‌تر باشد احتمال اینکه متهم در موعد مقرر حاضر نشود بیشتر

است، زیرا متهم می‌داند که احتمال محکومیت به حبس طولانی مدت، زیاد است؛
ب) خصوصیات و پیوندهای اجتماعی. دادگاه ارزیابی می‌کند که در صورت فرار، متهم چه چیزهایی را از دست خواهد داد. به عنوان نمونه احتمال بهره‌مندی متهمان متأهل از قرار بیشتر از متهمان مجرد است؛

ج) سابقه متهم. چنانچه متهم سابقه نقض مجازات معلق را داشته باشد نشانگر این است که غیرقابل اعتماد است و صدور قرار نسبت به وی موجه نیست. علاوه بر این، دادگاه می‌تواند سوابق متهم در زمینه چگونگی پاسخ‌گویی به قرار و اینکه به آن‌ها پایبند بوده یا اینکه در مدت مذکور مرتکب جرم شده یا نه را نیز بررسی کند. اگر متهم در گذشته از این حق بهره‌مند شده و از اعتمادی که به وی شده سوء استفاده نکرده می‌توان به وی اعتماد کرد و صدور قرار موجه است؛

د) اعتبار دلایل. دادگاه باید اعتبار دلایل و احتمال تعقیب را بررسی کند. هر چه اعتبار ادله گردآوری شده کمتر باشد، احتمال صدور قرار بیشتر است. (Emmins & Spark, ۲۰۰۵: ۹۷-۹۹)

با این وجود، نسبت به بند (۱) ایرادهای اساسی مطرح شده است. از جمله اینکه عدم پذیرش قرار به استناد اینکه وی مانع اجرای عدالت خواهد شد دلیل قانع‌کننده‌ای نیست، زیرا در این مورد متهم را به دلیل یک احتمال فرضی بازداشت می‌کنیم. در اینجا می‌توان به جای بازداشت، از طریق راه کارهای دیگر، خطر مداخله متهم را کاهش داد. از جمله اینکه به پلیس پیشنهاد کنیم که از شهود آسیب‌پذیر حمایت کند یا اینکه قرار مشروط صادر کند و در آن شرط شود که متهم از شهود دوری گزیند. از دیدگاه حقوق بشری، تنها زمانی بازداشت ضروری است که دلایل کافی‌ای که نشانگر قصد متهم برای اخلال در ایجاد عدالت است، وجود داشته باشد.

عدم پذیرش قرار به استناد احتمال ارتکاب جرم نیز براساس یک سری امور حدسی و فرضی است. در این مورد حق متهم بیشتر تضییع می‌شود، زیرا اصل مجرمیت جایگزین اصل برائت می‌شود. علاوه بر این، باید به یاد داشت که نگهداری متهمان در بازداشتگاه احتمال ارتکاب جرم را از بین نمی‌برد؛ زیرا در زندان نیز احتمال ارتکاب جرم وجود دارد. (Sander & Young, 2007: 467-468)

مورد مذکور در بند (۲) در ماده (۲۶) قانون عدالت کیفری و نظم عمومی پیش‌بینی شده است. این مورد شامل زمانی می‌شود که فرد در زمان بهره‌مندی از قراژ مرتکب جرم شده است. با این حال در این مورد نیز دادگاه حق صدور یا عدم پذیرش قرار را دارد. در اینجا اصل حق بهره‌مندی از قرار کنار گذاشته می‌شود.

مورد سوم زمانی است که نگهداری فرد در بازداشتگاه برای حفظ سلامت وی لازم است، مانند زمانی که جرم باعث برانگیخته شدن احساسات مردم یک منطقه شده است؛ به عنوان نمونه زمانی که فرد، متهم به تجاوز جنسی به اطفال است. در مواردی که متهم نوجوان است حتی اگر آزادی او خطر جسمی برای وی به دنبال نداشته باشد ممکن است قرار رد شود؛ برای مثال زمانی که متهم از خانه فرار کرده و نگهداری او در مراکز مراقبت محلی به نفع وی باشد.

در مرحله تعلیقی که در آن پس از مرحله محکومیت منتظر رسیدن گزارش‌های مربوطه هستند ممکن است قرار رد شود، زیرا ممکن است دادگاه بر این باور باشد که تهیه گزارش بدون نگهداری متهم در بازداشتگاه غیرممکن است؛ برای مثال ممکن است دادگاه ارائه گزارش‌های پزشکی را لازم بداند، ولی متهم به دلیل شرایط ذهنی از حضور داوطلبانه در بیمارستان برای انجام آزمایش‌های پزشکی اجتناب کند. در این مورد دادگاه می‌تواند متهم را در بازداشت نگه دارد و یا برای انجام آزمایش‌های پزشکی به بیمارستان بفرستد.

۴-۳- عدم پذیرش قرار در جرایم قابل مجازات با کیفرهای غیر سالب آزادی

بخش دوم جدول (۱) قانون آزادی به قید ضمانت، ناظر به مواردی است که فرد، متهم به ارتکاب جرایمی است که مجازات آن غیر از حبس است. در این مورد چنانچه بازداشت برای حمایت از متهم باشد و یا اینکه متهم سابقه محکومیت به حبس داشته باشد قرار رد می‌شود. علاوه بر این، زمانی که متهم طبق ماده (۷) قانون آزادی به قید ضمانت بازداشت شده، ممکن است قرار رد شود. یعنی زمانی که ادله کافی وجود دارد که چنانچه متهم بر اساس قرار (اعم از مشروط یا غیرمشروط) آزاد شود از حضور در بازداشتگاه خودداری می‌کند، مرتکب جرمی خواهد شد یا در کار شهود یا اجرای عدالت خدشه وارد می‌سازد. در این مورد اختیار مطلق در زمینه عدم پذیرش قرار وجود ندارد، ولی چنانچه متهم سابقه عدم حضور در بازداشتگاه داشته باشد، دادگاه می‌تواند به این نتیجه برسد که

در صورت اعطای مجدد این حق، وی از حضور در بازداشتگاه خودداری خواهد کرد. با این حال احتمال عدم پذیرش قرار در جرایم غیر مستوجب حبس اندک است.

۵- محدودیت‌های زمانی بازداشت و آثار انقضای آن

بر اساس ماده (۲۲) «قانون تعقیب جرایم»^۱ حداکثر زمانی که می‌توان قبل از محاکمه، متهم را بازداشت کرد عبارتند از:

۱- ۷۰ روز بین اولین حضور در دادگاه مجستریت و رسیدگی انتقالی؛

۲- ۷۰ روز بین اولین حضور و محاکمه اختصاری برای جرایم دو وجهی؛

۳- ۵۶ روز بین اولین حضور و محاکمه جرم اختصاری؛

۴- ۱۱۲ روز بین انتقال محاکمه و احضار به دادگاه؛

۵- ۱۸۲ روز بین تاریخ اعزام برای محاکمه و شروع محاکمه.

چنانچه دادستان محدودیت‌های زمانی را رعایت نکند مقررات خاصی نسبت به حق متهم برای صدور قرار اعمال می‌شود. اگر این تاریخ‌ها منقضی شود، استثنای حق بهره‌مندی از قرار مذکور در جدول (۱) قانون آزادی به قید ضمانت اعمال نخواهد شد و متهم به طور مطلق حق بهره‌مندی از قرار را دارد. علاوه بر این، در این حالت حضور ضامن یا سپردن تضمین یا هرگونه شرطی که شبیه وضعیت قبل از بهره‌مندی از قرار است، لازم نیست. با این وجود، دادگاه می‌تواند شرایطی که با شرایط پس از آزادی مطابق است وضع کند از جمله شرط منع عبور و مرور یا الزام به سکونت در محل خاص یا ارائه گزارش را تعیین کند. با این حال دادستان می‌تواند از طریق پی‌گیری سریع امور از بروز این مسایل جلوگیری کند. علاوه بر این، دادستان می‌تواند تقاضا کند مهلت تمدید شود. تقاضا باید قبل از پایان فرجه زمانی ارائه شود. (Emmins & Spark, 2005: 99-101)

۶- قرار آزادی به قید ضمانت مشروط

ممکن است قرار غیر مشروط صادر شود. در این صورت متهم ملزم به معرفی ضامن یا انجام شرط

1- Prosecution of Crimes Act 1985

دیگری نیست و تنها وظیفه دارد در مهلت مقرر در بازداشتگاه حاضر شود. با این حال بر اساس ماده (۳) قانون آزادی به قید ضمانت، دادگاه می‌تواند در هنگام صدور قرار شرطی تعیین کند. در عمل در نیمی از قرارها شرطی تعیین می‌شود و متهم ملزم به تبعیت از آنها است. (Sander & Young, 2007: 469) بر اساس نظر دیگری تعداد قرارهای مشروط کمتر بوده و در یک چهارم تا یک سوم از قرارها شرطی تعیین می‌شود. (Ashworth & Redmayne, 2005: 214)

معمول‌ترین شرطی که هنگام صدور قرار تعیین می‌شود الزام متهم به معرفی دو یا چند ضامن است. این شرط زمانی تعیین می‌شود که معرفی ضامن برای تضمین حضور متهم ضروری است. ضامن متعهد می‌شود در صورت عدم حضور متهم مبلغ مشخصی پول بپردازد. چنانچه ضامن به پرداخت مبلغی محکوم شود و از پرداخت آن اجتناب کند، حبس خواهد شد. دادگاه یا پلیس تعداد ضامن‌ها و مبلغ وجه‌الضمان را تعیین و تا زمانی که ضامن ضمانت نکند متهم در بازداشتگاه خواهد ماند. اگر ضامن ضمانت نکند متهم در حضور بعدی‌اش در دادگاه می‌تواند درخواست کند که شرط تعیین شده برای معرفی ضامن حذف شود.

ضامن متهم بزرگسال، حضور وی در دادگاه را ضمانت می‌کند و تنها در این حد متعهد است و نسبت به دیگر شرایط قرار تعهد ندارد، مانند اینکه متهم تعهد کند که در آینده مرتکب جرم نمی‌شود. با این وجود، برخی قضات مجسرتیت از ضامن‌ها می‌خواهند که رفتار مناسب متهم در آینده را تضمین کنند.

با این حال وضعیت ضامن متهمان نوجوان متفاوت است. بر اساس ماده (۷) قانون آزادی به قید ضمانت، زمانی که متهم نوجوان است و والدین یا سرپرستش ضمانت وی را به عهده می‌گیرند دادگاه می‌تواند ضامن را ملزم کند که تبعیت متهم از شروط تعیین شده در قرار را تضمین کند. بنابراین دادگاه می‌تواند والدین یا سرپرست را ملزم کند که انجام رفتار شایسته از طرف متهم را تضمین کنند. بر اساس ماده (۷) مبلغ وجه‌الضمان ۵۰ پوند است. معرفی ضامن با تودیع وثیقه توسط متهم یا شخص ثالث به عنوان شرط قبل از صدور قرار تفاوت دارد. در حالت اخیر متهم ملزم می‌شود خودش یا شخص ثالثی از جانب وی مبلغی پول نزد دادگاه بسپارد تا در صورت عدم حضور متهم ضبط شود.

علاوه بر این، دادگاه می‌تواند متهم را به انجام شروط دیگری ملزم کند. دادگاه می‌تواند برای حفاظت از متهم شروطی تعیین کند یا در زمانی که متهم طفل یا نوجوان است برای تضمین رفاه یا منافعش شروطی تعیین کند. ممکن است برای تضمین حضور متهم در زمان بازجویی شروطی تعیین شود. بر اساس ماده (۶) ۳ ممکن است متهم ملزم شود هفته‌ای یک بار خود را به پلیس معرفی کند، پاسپورتش را تحویل دهد، در مکان مشخصی زندگی کند، هرگونه تغییر در آدرس محل زندگی‌اش را اعلام کند، در ساعات خاصی از شب از خانه بیرون نرود، با شهود ارتباط نداشته باشد و یا در محل سکونت بزه‌دیده حضور پیدا نکند. (Emmins & Spark, 2005: 101-103) در حال حاضر در سراسر انگلستان بیش از ۲۰۰۰ مکان خاص^۱ برای حضور متهمانی که بر اساس قرار مشروط آزاد شده‌اند، تعیین شده است. (Sander & Young, 2007: 469) بر اساس تحقیقات انجام شده در ۷۵ درصد پرونده‌ها شرط سکونت در مکان خاص، در ۴۸ درصد عدم ارتباط با افراد خاص، در ۲۴ درصد عدم حضور در مکان خاص، در ۲۱ درصد منع عبور و مرور و در ۱۸ درصد ارائه گزارش به پلیس شرط شده است. در بسیاری از موارد وکلای متهمان برای جلوگیری از بازداشت موکلانشان شروطی را برای ضمیمه شدن به قرار پیشنهاد می‌کنند. (Ashworth & Redmayne, 2005: 214-215)

تعیین شرط برای صدور قرار در کلیه جرایم ممکن است، فارغ از اینکه مجازات جرم ارتكابی حبس یا غیر آن باشد. در پرونده‌ای^۲ مطرح شد دادگاه در هنگام صدور قرار تعدادی از کارگران معدن را که در اعتصاب‌های کاری شرکت داشتند ملزم کرد که در اعتصاب‌های بعدی شرکت نکنند. اتهام آن‌ها رفتار تهدیدآمیز بود. دادگاه از طریق تعیین این شرط تلاش کرد مانع ارتكاب مجدد جرم شود؛ زیرا حضور مجدد آن‌ها در اعتصاب‌های احتمالی بعدی ارتكاب مجدد جرم را افزایش می‌داد. (Sander & Young, 2007: 469) در عین حال این سؤال مطرح بود که آیا تعیین قرار مشروط مختص جرایم، مستوجب حبس است، یا اینکه دادگاه در جرایم مستوجب مجازات غیر حبس نیز چنین اختیاری را دارد.

1- Bail Hostel

2- Mansfield Justices ex p Sharkey [1985] QB613

در پرونده دیگری^۱ بیان شد که صدور قرار مطلق بوده و دادگاه در جرایم مستوجب مجازات غیر حبس نیز چنین اختیاری را دارد. مجازات جرم ارتكابی در این پرونده غیر از حبس بود. دادگاه در هنگام صدور قرار شرطی را ضمیمه کرد، ولی متهم شرط را نقض کرد و به دلیل نقض آن توسط قضات مجسستريت به زندان برگردانده شد. در زمان تجدیدنظر خواهی متهم، دادگاه اعلام کرد که شرط تعیین شده صحیح بوده است. قضات بر این عقیده بودند که شرط تعیین شده برای جلوگیری از ارتكاب جرم در آینده ضروری بوده است. (Emmins & Spark, 2005: 102-103)

زمانی که متهم قبل از آماده شدن گزارش‌های پزشکی در مورد وضعیت ذهنی و روانی‌اش برای تعیین مجازات، با صدور قرار آزاد شده دادگاه جزا مختار است و دادگاه مجسستريت می‌تواند وی را ملزم کنند که برای انجام آزمایش‌های پزشکی آماده شود.

در زمینه قرارهای مشروط مشکلات متعددی وجود دارد. یکی از این مشکلات محدودیت‌های زیادی است که علیه متهمان به ویژه متهمان سیاسی اجرا می‌شود. ابهام و گستره قوانین کیفری موجب شده بسیاری از شروط، محدودیت‌های زیادی علیه متهمان اعمال کنند. بر اساس تحقیقات انجام شده در مورد احکام بازداشت موقت آشوب‌های سال ۱۹۸۱، قرارهای منع عبور و مرور عمدتاً به صورت یکپارچه و گروهی صادر شدند. بسیاری از متهمانی که به اتهام ارتكاب جرایم کوچک بازداشت شدند، همچون راه‌بندان در بزرگراه که حداکثر مجازاتش ۵۰ پوند است، برای چندین ماه مشمول محدودیت‌های سخت قرار گرفتند. علاوه بر این، شرط تعیین شده در قرار با موضوع جرم مرتبط نیست؛ به عنوان مثال شرط منع عبور و مرور علی‌القاعده باید نسبت به متهمانی تعیین شود که در معرض خطر ارتكاب جرم قرار دارند، ولی این شرط زمانی استفاده می‌شود که علت مخالفت با آزادی متهم، ترس از فرار وی است. مشکل دیگر قرارها شروط آن است. به این معنا که به جای اینکه شروط نسبت به متهمانی تعیین شوند که در معرض بازداشت هستند، بیشتر نسبت به متهمانی اعمال می‌شود که می‌توانند از قرار غیر مشروط بهره‌مند شوند. مشکل اساسی دیگر قرارهای مشروط آن است که شروط به صورت تبعیض آمیزی اعمال می‌شوند. شرط تودیع وثیقه برای فقیران بسیار مشکل‌تر از ثروتمندان است. علاوه بر این، شرط سکونت در محل

خاص برای بی‌خانمان‌ها بسیار سخت‌تر از خانه‌داران است. در مواردی که شرط منع عبور و مرور نقض می‌شود تنها متهمانی بازداشت می‌شوند که برای پلیس شناخته شده هستند. این رقم در اقلیت‌های قومی بیشتر از سایر گروه‌ها است. (Sander & Young, 2007: 469-471) علاوه بر این، در برخی موارد عامل اصلی بازداشت متهمان آن است که قضات صدور قرار را به تودیع وثیقه‌های سنگین غیر منطقی منوط می‌کنند و از آنجا که متهمان توانایی تودیع وثیقه را ندارند بازداشت می‌شوند. (Ashworth & Redmayne, 2005: 215)

۷- فرآیند رسیدگی و صدور قرار

اکثر درخواست‌های صدور قرار به دادگاه مجستریت تقدیم می‌شود. عموماً رویه به این صورت است که دادگاه از وکیل مدافع متهم سؤال می‌کند آیا خواهان صدور قرار است یا نه؟ و از دادستان یا نمایندگان خدمات دادستانی نیز می‌پرسد که آیا مخالفتی با صدور قرار دارند یا نه؟ صدور قرار از اختیارات دادگاه است و توافق طرفین تأثیری در صدور یا عدم صدور آن ندارد. با این حال، اگر در مقابل درخواست صدور قرار مخالفتی نشود دادگاه مخالفت نخواهد کرد. در مقابل اگر صدور قرار درخواست نشود ادله کمتری برای توجیه اینکه باید متهم در بازداشت بماند لازم است.

با فرض اینکه در مقابل صدور قرار مخالفت وجود دارد دادستان ادله‌اش برای مخالفت را بیان می‌کند. عموماً پلیس در دادگاه شرکت نمی‌کند و طی یک یادداشت ادله‌اش برای مخالفت را به دادستانی تحویل می‌دهد. ادله‌ای که برای مخالفت بیان می‌شوند عبارتند از اینکه: جرم ارتكابی شدید است، متهم سابقه کیفری دارد و احتمال محکومیت وی به حبس زیاد است، متهم به خاطر اتهام‌های دیگر باید در دادگاه حاضر شود، متهم در زمان آزادی به قید ضمانت مرتکب جرم شده است، متهم در سابق شروط قرار را زیر پا گذاشته است، متهم شهود را می‌شناسد و ممکن است در صورت آزادی در کار آن‌ها مداخله کند. ممکن است دادستانی به همراه استدلال‌های خود سوابق محکومیت‌های متهم را نیز ضمیمه کند. بعد از اظهارات دادستانی، وکیل مدافع متهم ادله‌اش برای لزوم صدور قرار را بیان می‌کند. از جمله اینکه متهم یک آدرس دائمی دارد، پیوندهای عمیق خانوادگی دارد و احتمال عدم حضورش کم است. اگر ضامن حضور داشته باشد احتمال صدور

قرار بیشتر است. هر چه اعتبار ضامن بیشتر باشد به نفع متهم است. هر چند احتمال حضور افسر پلیس در دادگاه کم است، ولی ممکن است دادگاه از افسر تحقیق بخواهد که حضور داشته و نتایج تحقیقات خود را بیان کند.

عموماً جلسات رسیدگی به درخواست صدور قرار کوتاه هستند. تحقیقی که در دادگاه‌های لندن انجام شده نشان می‌دهد که طول مدت جلسات رسیدگی کمتر از ۶ دقیقه است. (Emmins & Spark, 2005: 103-104) بر اساس نتایج یک تحقیق دیگر در مورد ۲۰۶۱ پرونده، در ۸۶ درصد از پرونده‌ها مدت جلسه رسیدگی به درخواست صدور قرار ۵ دقیقه و حتی کمتر از آن بوده است. تحقیقات نشان می‌دهد علت واقعی شتاب زدگی، مشغله زیاد دادگاه‌های مجستری است. علاوه بر این، اکثر اطلاعات ارائه شده توسط پلیس گردآوری شده‌اند. مضاف بر این، تحقیقات نشان می‌دهد که تصمیم پلیس در مورد اینکه آیا باید نسبت به متهم قرار صادر شود یا نه نقش بسزایی در تصمیم دادستان و دادگاه برای صدور قرار دارد. تحقیقات حاکی است که در کمتر از یک سوم پرونده‌ها قرار صادر می‌شود و این به آن خاطر است که دادستان‌ها فعال‌تر از وکلای هستند. (Sander & Young, 2007: 473-474).

چنانچه دادگاه درخواست صدور قرار را رد کند باید ادله رد درخواست را ذکر کند. ادله باید به نحوی بیان شود که متهم بتواند به راحتی تصمیم بگیرد که آیا می‌تواند در دادگاه دیگر تقاضای تجدیدنظر خواهی کند یا نه. در صورت درخواست متهم باید یک نسخه از تصمیم دادگاه به وی ارائه شود. علاوه بر این، چنانچه دادگاه نسبت به افرادی که متهم به ارتکاب جرایم خاص هستند مانند قتل عمد، تجاوز به عنف و شروع به ارتکاب این جرایم، قرار صادر کند باید ادله صدور قرار را ذکر و در سوابق پرونده ثبت کند. چنانچه درخواست صدور قرار در دادگاه مجستری رد شود، باید به متهم حق تجدیدنظر خواهی نزد دادگاه جزا و دادگاه عالی اعلام شود. اگر پس از بررسی درخواست، قضات مجستری حکم بازداشت متهم را صادر کنند باید گواهی‌ای صادر کنند با این قید که جلسه برگزار شده و ادله را استماع کرده‌اند. هنگامی که درخواست متهم برای صدور قرار رد شود دادگاه باید در جلسات بعدی بررسی کند که آیا ضرورتی به لغو دستور بازداشت متهم وجود دارد یا نه. هر چند متهم حق دارد در جلسات بعدی درخواست کند قرار صادر شود، ولی

دادگاه ملزم به استماع اظهاراتی که قبلاً بیان شده نیست. در جلسات بعدی و کیل متهم می‌تواند برای لغو دستور دادگاه به امور موضوعی یا حقوقی استناد کند؛ به عنوان مثال در پرونده‌ای^۱ متهم، طفل ۱۱ ساله‌ای بود که به قتل نوزاد ۱۸ ماهه‌ای متهم شده بود و به منظور حفاظت از وی حکم نگهداری در مرکز مراقبت محلی و بازداشت در یک محل امن صادر شد. تقاضاهای متعدد برای صدور قرار رد شد ولی در یک مورد درخواست برای لغو بازداشت در محل امن پذیرفته شد. در این تقاضا استدلال شده بود که به دلیل گذشت زمان، احساسات جامعه علیه متهم کاهش یافته، فاصله بین محل زندگی متهم و محل بازداشت او زیاد است و مادر وی برای حضور در آن جا با مشکل مواجه است و متهم توسط دو زندانی دیگر مورد اذیت و آزار قرار گرفته است. دادگاه با توجه به این استدلال‌ها دستور قبلی را لغو کرد.

اگر قضاوت مجستریت صدور قرار را به ارائه ضامن منوط کنند و ضامن‌های مناسب حضور داشته باشند نزد قضاوت برده می‌شوند. در خصوص مناسب بودن ضامن‌ها به توانایی مالی، خصوصیات، سابقه محکومیت و رابطه ضامن با متهم توجه می‌شود. قبل از صدور قرار، ماهیت تعهد و عواقب عدم حضور متهم به ضامن گوشزد می‌شود. علاوه بر این، از وی سؤال می‌شود پس از تصفیه بدهی‌هایش چه میزان سرمایه برای وی باقی خواهد ماند؟ اگر در زمان صدور قرار ضامن حضور نداشته باشد ممکن است بعداً ضامن نزد قضاوت، منشی دادگاه مجستریت یا افسر پلیس حاضر شود و تازمانی که این امر صورت نگرفته متهم بازداشت خواهد بود. (Emmins & Spark, 2005: 104-107)

۸- تجدیدنظرخواهی نسبت به صدور یا عدم پذیرش قرار

یکی از تضمین‌های پیش‌بینی شده در نظام کیفری انگلستان حق تجدیدنظرخواهی نسبت به تصمیم‌های اتخاذ شده در زمینه قرار است. بدین معنا که هر یک از طرفین دعوا، متهم و دادستان، در صورتی که تصمیم دادگاه را ناموجه بدانند حق دارند نسبت به آن تجدیدنظرخواهی کنند. علاوه بر این، در صورتی که پس از صدور قرار ادله جدیدی کشف شود که چنانچه در زمان صدور قرار وجود می‌داشت قرار صادر نمی‌شد، دادگاه می‌تواند در تصمیم تجدیدنظر کند.

1- Blyth Juvenile Court ex p G[1991] Crime LR 693

۸-۱- تجدیدنظر خواهی بر اساس ارائه اطلاعات جدید

بر اساس ماده B5 قانون آزادی به قید ضمانت، چنانچه قرار صادر و سپس ادله جدیدی ارائه شود که بر مبنای آن‌ها نباید قرار صادر می‌شد، دادگاه می‌تواند بر اساس درخواست دادستان قرار را لغو کند. این اختیار تنها در جرایم دو وجهی و جرایم قابل کیفر خواست وجود دارد. درخواست باید بر اساس ادله‌ای باشد که هنگام رسیدگی اولیه نزد دادگاه یا افسر پلیسی که قرار صادر کرده وجود نداشته است. در صورت پذیرش درخواست ممکن است دادگاه شروط قرار را تغییر دهد، شروط جدیدی اضافه کند و یا حتی قرار را لغو و فرد را بازداشت کند. جلسه مذکور ممکن است در غیاب متهم برگزار شود، ولی باید قبل از برگزاری جلسه، متهم نسبت به درخواست دادستانی برای تجدیدنظر در قرار مطلع شود. (Emmins & Spark, 2005: 107-108)

۸-۲- تجدیدنظر خواهی متهم نسبت به عدم پذیرش قرار

دادگاه جزا در موارد زیر می‌تواند نسبت به متهمی که درخواست وی برای صدور قرار در دادگاه مجستریت رد شده قرار صادر کند: ۱- دادگاه مجستریت پس از تقاضای متهم برای صدور قرار، وی را در بازداشت نگه داشته (اعم از اینکه قبل از رسیدگی انتقالی یا محاکمه اختصاری باشد یا اینکه بعد از محکومیت اختصاری و قبل از تعیین مجازات باشد)؛ ۲- دادگاه مجستریت متهم بازداشت شده را برای محاکمه یا تعیین مجازات به دادگاه جزا فرستاده باشد و ۳- دادگاه مجستریت متهم را به صورت اختصاری محکوم، مجازات حبس تعیین و تقاضای صدور قرار را در زمان تجدیدنظر خواهی از دادگاه جزا رد کرده باشد. بنابراین در بسیاری از مواردی که تقاضای متهم در دادگاه مجستریت برای صدور قرار رد شده، وی می‌تواند در دادگاه جزا تجدیدنظر خواهی کند. فرایند رسیدگی اینگونه است که تقاضاهایی که برای رسیدگی به دادگاه جزا ارائه شده توسط قاضی مرتب و تنظیم می‌شود. طبق قانون عدالت کیفری متهم می‌تواند از شروطی که در قرار تعیین شده مانند لزوم ارائه ضامن یا وثیقه، منع عبور و مرور، نظارت الکترونیکی یا سکونت در محل خاص تجدیدنظر خواهی کند. دادستان باید ۲۴ ساعت قبل از رسیدگی، از تجدیدنظر خواهی

متهم مطلع شود. دادستان می‌تواند یکی از سه راه حل زیر را انتخاب کند: ۱- به کارمند دادگاه جزا و متهم ابلاغ کند که تمایل دارد در جلسه رسیدگی حاضر شود؛ ۲- اعلام کند که با درخواست متهم مخالف نیست و ۳- ادله‌اش برای مخالفت با درخواست صدور قرار را به طور کتبی اعلام کند. باید یک نسخه از ادله به متهم ابلاغ شود. هر چند دادستان حق حضور در جلسه رسیدگی را دارد، ولی متهم چنین حقی ندارد. چنانچه صدور قرار به معرفی ضامن منوط گردد باید ضامن به دادگاه جزا معرفی شود.

علاوه بر این، متهم حق تجدیدنظرخواهی در دادگاه عالی را نیز دارد. درخواست برای صدور قرار نزد قاضی شعبه دادگاه عالی مطرح می‌شود. دادگاه عالی زمانی حق صدور قرار را دارد که متهم نزد دادگاه جزا تجدیدنظرخواهی شکلی کرده یا اینکه تقاضای صدور گواهی لغو تصمیم دادگاه جزا یا دادگاه مجستریت را مطرح کرده است. بر اساس قانون عدالت کیفری صلاحیت دادگاه عالی برای تجدیدنظر از تصمیمات دادگاه مجستریت نسخ شد. تقاضا توسط احضاریه صورت می‌گیرد. احضاریه باید حداقل ۲۴ ساعت قبل از جلسه رسیدگی به دادستانی ابلاغ شود. علاوه بر احضاریه باید اظهارنامه‌ای که در آن ادله مربوط به تقاضای صدور قرار ذکر شده نیز ضمیمه شود. باید به دادستان ابلاغ شود که دلایلش برای مخالفت با صدور قرار را اعلام کند یا اینکه چنانچه نسبت به متهم قرار صادر شده ادله خود را راجع به اینکه چرا نباید شروط قرار تغییر کند ذکر کند. چنانچه درخواست رد شود متهم حق درخواست مجدد نزد شعبه دیگر دادگاه عالی یا مجلس اعیان را ندارد. (Ibid: 108-110)

۸-۳- تجدیدنظرخواهی دادستان نسبت به صدور قرار

بر اساس قانون آزادی به قید ضمانت دادستان حق دارد از تصمیمات دادگاه مجستریت در مورد اعطای قرار به متهم، در دادگاه جزا تجدیدنظرخواهی کند. (Sander & Young, 2007: 478) این حق زمانی وجود دارد که: ۱- جرم از جمله جرایم مستوجب حبس باشد؛ ۲- تعقیب توسط خدمات تعقیب سلطنتی یا شخصی که در قانون ذکر شده انجام شود و ۳- هنگام صدور قرار دادستانی مخالفت خود با صدور آن را اعلام کرده باشد.

دادستانی باید حداکثر ظرف ۲ ساعت از اتمام جلسه رسیدگی و پیش از آنکه متهم آزاد شود به طور کتبی تقاضای تجدیدنظر خواهی را مطرح کند. در صورت تجدیدنظر خواهی، قضات مجستريت باید متهم را در بازداشت نگه دارند. دادگاه جزا باید ظرف ۴۸ ساعت به تجدیدنظر خواهی رسیدگی کند (تعطیلات آخر هفته و تعطیلات رسمی مستثنی هستند). پس از تجدیدنظر خواهی ممکن است قضات متهم را به حبس یا آزادی به قید ضمانت مشروط یا غیر مشروط محکوم کنند. (Em- mins & Spark, 2005: 110-111) در حال حاضر سرویس خدمات دادستانی حق در خواست تجدیدنظر نسبت به عدم پذیرش در خواست تعیین شروط قرار را ندارد، ولی به یقین در آینده حق تجدیدنظر خواهی در این مورد نیز به دادستانی داده خواهد شد. (Sander & Young, 2007: 478)

۹- نقض قرار آزادی به قید ضمانت

تعداد زیاد قرارها یکی از دغه‌های پلیس است. تحقیقات نشان می‌دهد که در ۱۷-۱۰ درصد از قرارها، متهمان در زمان آزادی دوباره مرتکب جرم شده‌اند. علاوه بر این، یکی دیگر از مشکلات پس از صدور قرار عدم حضور متهمان در جلسات دادگاه است. در سال ۲۰۰۴، ۱۴ درصد از کسانی که با قرار دادگاه مجستريت آزاد شده بودند از حضور در دادگاه خودداری کردند. این رقم در ۱۰ سال اخیر روند رو به رشد داشته است. (Ibid: 474-476)

این سؤال پیش می‌آید که چنانچه متهم از حضور در زمان و مکان تعیین شده خودداری کند چه ضمانت اجرایی اجرا خواهد شد؟

ماده (۱) قانون آزادی به قید ضمانت بیان کرده اگر متهمی که بر اساس قرار آزاد شده و مقرر شده در دادگاه حاضر شود از حضور در دادگاه خودداری کند دادگاه می‌تواند مجوز بازداشت وی را صادر کند. طبق رأی یک پرونده^۱ چنانچه شخصی که بر اساس قرار آزاد شده، از حضور در بازداشتگاه خودداری کند و مخفی شود، حتی اگر در زمان رسیدگی در دادگاه حاضر شود، دادگاه می‌تواند وی را بازداشت کند.

علاوه بر این، به منظور پیشگیری از نقض احتمالی قرار، افسر پلیس می‌تواند بدون صدور حکم،

1- DPP v Richards [1988] QB 701

متهمی را که ادله کافی و منطقی وجود دارد که از حضور در بازداشتگاه خودداری کند، بازداشت کند. این اختیار زمانی وجود دارد که متهم ملزم شده خود را به بازداشتگاه معرفی کند. علاوه بر این، افسر پلیس می‌تواند متهمی را که ادله منطقی وجود دارد که قرار را نقض کرده یا احتمال نقض آن وجود دارد، بازداشت کند. بنابراین اگر بر اساس شروط قرار، متهم ملزم شود به پاسگاه پلیس گزارش دهد و از ارائه گزارش اجتناب کند ممکن است بدون صدور قرار، بازداشت شود. علاوه بر این، چنانچه ضامن به طور کتبی به پلیس اطلاع دهد که احتمال می‌رود متهم در بازداشتگاه حاضر نشود و وی از این طریق لغو تعهداتش را تقاضا کند ممکن است متهم بازداشت شود. متهمی که به خاطر نقض احتمالی قرار، بازداشت شده باید در اسرع وقت و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت نزد قضات مجسטרیت برده شود. اگر قضات مجسטרیت معتقد باشند که متهم شروط قرار را نقض کرده، احتمال نقض آن‌ها وجود دارد و یا احتمال دارد خود را به بازداشتگاه معرفی نکند، ممکن است در بازداشت نگه داشته یا شروط سخت‌تری برای قرار وضع کنند. در غیر این صورت باید متهم بر اساس شرایط قبلی آزاد شود.

علاوه بر این، بر اساس ماده (۸) ۴۸ قانون پلیس و ادله کیفری، پلیس می‌تواند هر کس را که بر اساس قرار متعهد شده به پاسگاه پلیس برگردد چنانچه از این امر اجتناب ورزد، بازداشت کند. این سؤال مطرح می‌شود چنانچه متهم حضور پیدا نکند چه ضمانت اجرایی اعمال خواهد شد؟ پیش از سال ۱۹۷۶ تنها ضمانت اجرایی که نسبت به متهم فراری اعمال می‌شد ضبط وجه‌الضمان بود. با این حال بر اساس ماده (۲) ۳ قانون آزادی به قید ضمانت علاوه بر ضبط وجه‌الضمان ممکن است متهم تحت عنوان ارتکاب جرم تحت پیگرد قرار گیرد. بر اساس ماده (۱) ۶ این قانون شخصی که بر اساس قرار آزاد شده چنانچه بدون دلیل موجه از حضور در بازداشتگاه اجتناب ورزد به عنوان مجرم تحت پیگرد قرار می‌گیرد. علاوه بر این، چنانچه متهم علت موجهی برای عدم حضور ارائه کند چنانچه در اسرع وقت پس از برطرف شدن عذر در بازداشتگاه حضور نیابد تحت همین عنوان قابل تعقیب است. حتی چنانچه پس از رسیدگی، متهم از اتهام‌ها تبرئه شود باز هم تحت این عنوان قابل تعقیب و محاکمه است. متهم همواره حق دارد اثبات کند که برای عدم حضور علت موجه وجود داشته است.

بر اساس ماده (۶) متهمی که به اتهام فرار تحت تعقیب است می‌تواند به سه صورت محاکمه و مجازات شود:

۱- ممکن است به صورت اختصاری محاکمه و توسط قضات مجستريت مجازات شود که در این صورت حداکثر مجازات ۳ ماه حبس و یا ۵ هزار پوند خواهد بود؛

۲- بعد از محکومیت قضات مجستريت می‌توانند وی را برای تعیین مجازات به دادگاه جزا تحویل دهند چنانچه:

الف) قضات مجستريت معتقد باشند که اختیاراتشان برای تعیین مجازات کافی نیست؛

ب) متهم را برای محاکمه یک جرم قابل کیفر خواست به دادگاه جزا تحویل داده و بر این باور باشند که رسیدگی و تعیین مجازات برای هر دو جرم توسط دادگاه جزا مرجح‌تر است. در این صورت دادگاه می‌تواند فرد را به ۱۲ ماه حبس و یا جزای نقدی نامحدود محکوم کند؛

۳- چنانچه عمل متهم یک نوع بی‌احترامی و توهین کیفری باشد خودداری از پاسخگویی به قرار دادگاه جزا باید توسط همین دادگاه رسیدگی شود. به این معنا که قضات بدون حضور هیأت منصفه فرد را محاکمه می‌کنند. در این مورد تحقیق نیمه رسمی خواهد بود و در آن قضات تمامی ترتیبات را برای محاکمه منصفانه به کار می‌بندند. در صورتی که متهم محکوم شود، ممکن است به ۱۲ ماه حبس یا جزای نقدی نامحدود محکوم شود.

علاوه بر این، در صورتی که قرار به ارائه ضامن منوط شده، در صورت عدم حضور متهم ترتیباتی نسبت به ضامن انجام می‌شود. در این حالت دادگاه باید حکم ضبط وجه‌الضمان را صادر کند و احضاریه‌ای صادر شود و ضامن به حضور در دادگاه دعوت شود تا چنانچه ادله‌ای برای عدم پرداخت و ضبط وجه‌الضمان دارد، ارائه کند.

دادگاه باید میزان تقصیر ضامن در فرار متهم را بررسی کند؛ از جمله اینکه آیا ضامن از احتمال عدم حضور متهم خیر داشته و به صورت کتبی درخواست لغو تعهدش را ارائه کرده یا نه؟ عدم توجه به این موارد ممکن است به نقض حکم قضات مجستريت در مورد ضبط اموال منجر شود. چنانکه در یک پرونده^۱ این گونه شد. با این حال اصل بر این است که در صورت عدم حضور متهم، ضامن

1- Southampton Justices ex p Green [1976] QB 11

به پرداخت کلیه مبالغ تعهد شده محکوم می‌شود. در پرونده دیگری^۱ دادگاه با توجه به تلاش‌های ضامن‌ها برای حاضر کردن متهم بیان کرد که نیازی به ضبط وجه‌الضمان نیست. در این پرونده دو نفر ضمانت متهم را برعهده گرفتند. ضامن‌ها دفعات متعددی به متهم تلفن زده و به وی یادآور شده بودند که در دادگاه حاضر شود، به اقوام متهم گفته بودند که وی را برای حضور در دادگاه ترغیب کنند و در روز محاکمه پیغامی دریافت کردند مبنی بر اینکه متهم در دادگاه حاضر شده است. با این حال محاکمه تا بعدازظهر برگزار نشد و متهم از فرط عصبانیت فرار کرد. دادگاه در رأی خود اعلام کرد که ضامن‌ها تمامی ترتیبات لازم را برای حضور متهم به کار بسته‌اند. بنابراین نباید وجه‌الضمان ضبط شود. با این حال، تأکید شده که اثبات عذر موجه به عهده ضامن است. با حضور متهم تعهد ضامن نیز پایان می‌یابد، مگر اینکه ضامن دوباره ضمانت متهم را بر عهده گیرد. چنانچه متهم از اجرای قرار خودداری کند و در موعد مقرر حاضر نشود به ترتیب ذیل بازداشت می‌شود:

- ۱- اگر ۲۱ سال به بالا داشته باشد تحویل زندان داده می‌شود؛
- ۲- اگر بین ۱۷-۲۰ سال داشته باشد به بازداشتگاه نوجوانان تحویل داده می‌شود و اگر بازداشتگاه نوجوانان وجود نداشته باشد به زندان تحویل داده می‌شود،
- ۳- اگر کمتر از ۱۷ سال داشته باشد به مراکز مراقبت محلی تحویل داده می‌شود. اگر متهم پسر ۱۵ ساله به بالا باشد ممکن است در شرایط ذیل و جهت حمایت از منافع عمومی به بازداشتگاه یا زندان تحویل داده شود اگر متهم:
- الف) به همراه یک بزرگسال، متهم به ارتکاب جرمی باشد که مجازات آن ۱۴ سال حبس است؛
- ب) به ارتکاب جرم خشونت‌بار یا جرم جنسی متهم است یا
- ج) سابقه عدم حضور و فرار در هنگام آزادی به قید ضمانت را دارد.
- ۴- بر اساس مواد ۹۷ و ۹۸ قانون جرم و بی‌نظمی دادگاه اختیارات جداگانه‌ای در زمینه بازداشت اطفال بین ۱۲ و ۱۴ و دختران ۱۵ و ۱۶ سال را در مراکز امنیتی محلی دارد. (Sander & Young, 2007: 474-476)

1- York Crown Court ex p Coleman and How [1987] Crim LR 761

۱۰- نتیجه‌گیری

پیش از این در نظام کیفری انگلستان، به عنوان یکی از کشورهای متأثر [؟] از حقوق کامن‌لا، عرف و اصول حقوقی جایگاه ویژه‌ای داشت. منتقدان این نظام معتقد بودند عدم وجود قوانین روشن در زمینه حقوق کیفری موجب تفسیرهای موسع شده و زمینه نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های عمومی‌را فراهم می‌کند. از این رو در دو دهه اخیر فرایند قانونگذاری شتاب یافته، به گونه‌ای که در بسیاری از حوزه‌های کیفری نقش قوانین پررنگ‌تر از عرف و اصول حقوقی است. از جمله می‌توان به وظایف و اختیارات نهادهای عدالت کیفری مانند پلیس و دادگاه‌های کیفری اشاره کرد. آزادی به قید ضمانت نیز از حوزه‌هایی است که تحت تأثیر جریان قانونگذاری قرار گرفته است. قانونگذاری در این حوزه موجب شده نظام کیفری انگلستان بتواند بین حفظ منافع اجتماع و تأمین حقوق و آزادی‌های عمومی تعادل ایجاد کند. پذیرش اصل حق بهره‌مندی از آزادی به قید ضمانت مهم‌ترین راهکار این نظام برای تأمین حقوق متهم است. با این وجود اجرای این اصل در همه موارد می‌تواند امنیت عمومی‌را به خطراندازد. این ترس زمانی که جرم شدید است یا متهم سابقه کیفری دارد بیشتر می‌شود. از این رو در راستای حفظ منافع شهروندان، دامنه آن در موارد خاص محدود شده است.

علاوه بر این، پیش‌بینی مقرراتی برای تجدیدنظرخواهی موجب شده متهم و دادستان در مواردی که احساس می‌کند تصمیم اشتباهی گرفته شده، به آن اعتراض کنند. این راهکار تدبیری است جهت اصلاح اشتباه احتمالی مقام‌های صلاحیتدار صدور قرار. از سوی دیگر، پیش‌بینی تدابیر تنبیهی برای نقض قرار، موجب می‌شود متهمان خود را ملزم به تبعیت از قرار و شروط آن بدانند. به نظر می‌رسد نظام کیفری ایران نیز می‌تواند از تجربه نظام کیفری انگلستان در زمینه قرار آزادی به قید ضمانت استفاده کند. به یقین نظام‌مندتر ساختن بازداشت موقت تضمین‌کننده توأمان حقوق متهم و منافع اجتماع خواهد بود.

فهرست منابع

- قپانچی، حسام و دانش ناری، حمید رضا، «الگوی دوگانه فرایند کیفری: کنترل جرم و دادرسی منصفانه»، **آموزه‌های حقوق کیفری**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.

- هیأت پژوهشگران کاوندیش، **نظام حقوقی انگلستان**، ترجمه نسرين مهرا، نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۷.

- Ashworth, A., & Redmayne, M., **The criminal process**, Oxford University press, Oxford, 3ed, 2005.

- Emmins, C.J., & Spark, J, **A practical approach to criminal procedure**, Oxford University Press, Oxford, 2ed, 2005.

- Hucklesby, A., “Police bail and the use of conditions”, **Criminology and Criminal Justice**, Vol.1, 2001.

- Mc Laughlin, E., & Muncie, J., **The Sage dictionary of criminology**, Sage Publication, London, 2ed, 2003.

- Ozin, P., Norton, H., & Spivey, P., **PACE: A practical guide to the Police and Criminal Evidence Act 1984**, Oxford University Press, Oxford, 2005.

- Raine, J.W., & Willson, M.J., “Police bail with conditions”, **The British Journal of Criminology**, Vol. 37(4), 1997.

- Sander, A., & Young, R., **Criminal justice**, Oxford University Press, Oxford, 3ed, 2007.